

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۲

آیه ۸۳ - ۸۵

آیه و ترجمه

افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموت و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون

قل امنا بالله و ما انزل علینا و ما انزل علی ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون

و من یتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین

ترجمه :

۸۳ - آیا آنها غیر از آیین خدا می طلبند؟! (آیین او همین اسلام است)، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیم اند، و همه به سوی او باز گردانده می شوند.

۸۴ - بگو: به خدا ایمان آوردیم، و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده، و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است، ما در میان هیچ یک از آنان فرقی نمی گذاریم، و در برابر (فرمان) او تسلیم هستیم.

۸۵ - و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت، از زیانکاران است.

تفسیر :

برترین آیین الهی، اسلام است

تاکنون بحثهای مشروحی در آیات گذشته درباره مذاهب پیشین آمده در این

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۳

آیات بحث درباره اسلام آغاز می شود و توجه اهل کتاب و پیروان ادیان گذشته را به آن جلب می کند.

در آیه نخست می فرماید: آیا آنها غیر از آیین خدا می طلبند؟ آیین او همین

اسلام است (افغیر دین الله یبغون).

سپس می‌افزاید: تمام کسانی که در آسمانها و زمین‌اند چه از روی اختیار یا اجبار اسلام آورده‌اند (و در برابر فرمان او تسلیم‌اند) و همه به سوی او باز گردانده می‌شوند بنابراین اسلام آیین همه جهان هستی و عالم‌آفرینش است (و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون). در اینجا قرآن مجید اسلام را به معنی وسیعی تفسیر کرده و می‌گوید: تمام کسانی که در آسمان و زمین‌اند و تمام موجوداتی که در آنها وجود دارند مسلمان‌اند یعنی در برابر فرمان او تسلیم‌اند زیرا روح اسلام همان تسلیم در برابر حق است منتهی گروهی از روی اختیار (طوعا) در برابر «قوانین تشریعی» او تسلیم‌اند و گروهی بی اختیار (کرها) در برابر «قوانین تکوینی» او.

توضیح اینکه: خداوند دو گونه فرمان در عالم هستی دارد یک سلسله از فرمانهای او به صورت قوانین طبیعی و ما فوق طبیعی است که بر موجودات مختلف این جهان حکومت می‌کند و همه آنها مجبورند در برابر آن زانو زنند و لحظه‌ای از این قوانین سرپیچی نکنند و اگر فرضاسرپیچی کنند ممکن است محو و نابود گردند یک نوع «اسلام و تسلیم» در برابر فرمان خدا است، بنابراین اشعه آفتاب که به دریاهای تابد و بخار آب که از دریا بر می‌خیزد و قطعات ابر که به هم می‌پیوندند دانه‌های باران که از آسمان فرو می‌ریزد، درختانی که بر اثر آن نمو می‌کنند و گلها که در پرتو آن شکفته می‌شوند همه مسلمان‌اند زیرا هر کدام در برابر قانونی که آفرینش برای او تعیین کرده است تسلیم‌اند.

نوع دیگری از فرمان خدا هست که فرمان تشریعی نامیده می‌شود یعنی

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۴

قوانینی که در تشریع آسمانی و تعلیمات انبیاء وجود داشته است تسلیم در برابر آنها جنبه «اختیاری» دارد و تنها افراد با ایمان هستند که به خاطر تسلیم در مقابل آنها شایسته نام «مسلمان» می‌باشند البته سرپیچی از این قوانین نیز بالمال دست کمی از سرپیچی از قوانین آفرینش ندارد که این هم باعث انحطاط و عقب ماندگی و یا نابودی است.

و از آنجا که جمله «اسلم» در آیه فوق اشاره به معنی وسیع اسلام است که هر دو قسمت را در بر می‌گیرد و لذا می‌فرماید: جمعی از روی اختیار تسلیم

می‌شوند (طوعاً) مانند مومنان و جمعی از روی اجبار (کرها) مانند کافران نسبت به قوانین تکوینی، بنابراین معنی آیه این است که کافران با این که از قبول اسلام در برابر بخشی از فرمانهای خدا سرباز زده‌اند ناچار به قبول بخش دیگر شده‌اند، پس چرا آنها در برابر همه قوانین الهی و دین و آیین حق یک باره تسلیم نمی‌شوند.

احتمال دیگری که در تفسیر آیه می‌باشد و بسیاری از مفسران آن را ذکر کرده‌اند و در عین حال منافاتی با آنچه در بالا گفتیم ندارد این است که افراد با ایمان در حال رفاه و آرامش از روی رغبت و اختیار به سوی خدای روند، اما افراد بی‌ایمان تنها به هنگام گرفتاری و مشکلات طاقت فرسا به سوی او می‌شتابند و او را می‌خوانند و با این که در حال معمولی شریک‌هایی برای او قایل می‌شوند در آن لحظات سخت و حساس جز او کسی را نمی‌شناسند و نمی‌خوانند.

از آنچه گفته شد معلوم شد که من در جمله من فی السموات و الارض هم شامل موجودات عاقل می‌شود و هم غیر عاقل (و به اصطلاح این واژه که مخصوص موجودات عاقل است به عنوان تغلیب به معنی گسترده‌تری اطلاق شده است) و طوعاً اشاره به موجودات عاقل و مومن است و کرها اشاره به کافران و موجودات غیر عاقل.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۵

در آیه بعد خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (و همه پیروان او) دستور می‌دهد که نسبت به همه تعلیمات انبیاء و پیامبران پیشین، علاوه بر آنچه را پیغمبر اسلام نازل شده ایمان داشته باشند.

می‌فرماید: بگو: ایمان به خدا آوردیم و به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران تیره‌های بنی اسرائیل) نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده است نیز ایمان آوردیم ما در میان آنها فرقی نمی‌گذاریم و ما در برابر او تسلیم هستیم (قل آمنا بالله و ما انزل علینا و ما انزل علی ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون).

آری ما هیچ فرقی میان آنها از نظر حقانیت قایل نیستیم، همه را به رسمیت می‌شناسیم، همه رهبران الهی بوده‌اند و همگی برای هدایت خلق مبعوث

شده‌اند و ما در برابر فرمان خدا از هر نظر تسلیم هستیم و بنابراین دست
تفرقه‌اندازان را به این وسیله کوتاه می‌کنیم.

و بالاخره در آخرین آیه به عنوان یک نتیجه‌گیری کلی می‌فرماید: هر کس غیر
از اسلام آیینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از
زیانکاران است (و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هوفی الآخرة من
الخاصرین).

جمله «یبتغ» از ماده «ابتغاء» به معنی تلاش و کوشش است که هم در
موارد شایسته و هم ناشایسته به کار میرود و در هر مورد تابع قرائنی است که
در آن مورد وجود دارد.

به این ترتیب از مفهوم عام اسلام به عنوان یک اصل کلی که همان تسلیم‌در
مقابل حق است به مفهوم خاص آن یعنی آیین اسلام منتقل می‌شود که نمونه
کامل و اکمل آن است و می‌گوید: امروز جز آیین اسلام از هیچ کس پذیرفته
نیست و در

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۶

عین احترام به همه ادیان الهی برنامه امروز، اسلام است. همانگونه
که دانشجویان دوره دکترا در عین احترام به تمام دروسی که در
مقاطع مختلف تحصیلی مانند ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان و دوره
لیسانس خوانده‌اند تنها درسی را که باید دنبال کنند همان دروس سطح
بالای مقطع نهایی خودشان است و پرداختن به غیر از آن جز زیان و
خسران چیزی نخواهد داشت و آنها که با تقلید نا بجا و تعصب جاهلی و
مسائل نژادی و خرافات خود ساخته پشت به این آیین کنند بدون شک
گرفتار زیان و خسران خواهند شد و جز تاسف و ندامت از سرمایه‌های عمر
و حیات که بر باد داده‌اند نتیجه‌ای نخواهند گرفت.

جمعی از مفسران گفته‌اند که این آیه درباره دوازده نفر از منافقان نازل شده
که اظهار ایمان کرده بودند و سپس مرتد شدند و از مدینه به مکه بازگشتند
آیه نازل شد و به آنها اعلام کرد که هر کس جز اسلام را بپذیرد زیانکار است.
در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که فرمود: روز
قیامت اعمال را یک به یک (در دادگاه الهی) می‌آورند هر کدام خود را معرفی
می‌کنند یکی می‌گوید من نمازم، دیگری می‌گوید من روزه‌ام و... و سپس
اسلام را می‌آورند و می‌گویند: پروردگارا! تو سلامی و من اسلام، خداوند

می‌فرماید:... امروز به واسطه (مخالفت با) تو مواخذه می‌کنم و به تو پاداش میدهم. خداوند در کتابش می‌فرماید: و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین.

درباره تفاوت میان اسلام و ایمان و ویژگیهای هر کدام و جمع میان این آیه و آیات مربوط به ایمان در سوره حجرات ذیل آیه ۱۴ به خواست خدا بحث خواهد شد.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۷

آیه ۸۶-۸۹

آیه و ترجمه

کیف یرهدی الله قوما کفروا بعد ایمنهم و شهدوا ان الرسول حق وجاءهم البینت و الله لا یرهدی القوم الظلمین اولئک جزاؤهم ان علیهم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین

خلدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون
الا الذین تابوا من بعد ذلک و اصلحوا فان الله غفور رحیم

ترجمه :

۸۶ - چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول و آمدن نشانه‌های روشن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا، جمعیت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد!

۸۷ - کیفر آنها، این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنهاست.

۸۸ - همواره در این لعن (و طرد و نفرین) میمانند، مجازاتشان تخفیف نمییابد، و به آنها مهلت داده نمی‌شود.

۸۹ - مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند، (و در مقام جبران گناهان گذشته برآیند، که توبه آنها پذیرفته خواهد شد)، زیرا خداوند، آمرزنده و بخشنده است.

شان نزول :

یکی از انصار (مسلمانان مدینه) به نام حارث بن سوید دستش به خون‌بی‌گناهی به نام محذر بن زیاد آلوده گشت و از ترس مجازات از اسلام برگشت و به مکه فرار کرد (و یازده نفر از پیروان او که مسلمان شده بودند نیز مرتد شدند) پس از ورود به مکه از کار خود سخت پشیمان گشت و در اندیشه فرو

رفت که در برابر این جریان چه کند. بالاخره فکرش به اینجا رسید که یک نفر را به سوی خود به

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۸

مدینه بفرستد تا از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال کنند آیا برای او راه بازگشتی وجود دارد یا نه؟

آیات فوق نازل شد و قبولی توبه او را با شرایط خاصی اعلام داشت، حارث بن سوید خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و مجدداً اسلام آورد و تا آخرین نفس به اسلام وفادار ماند (ولی یازده نفر دیگر از پیروان او که از اسلام برگشته بودند به حال خود باقی ماندند).

در تفسیر الدر المنثور و بعضی تفاسیر دیگر شان نزولهای دیگری برای آیات فوق نقل شده که تفاوتهای زیادی با آنچه نقل کردیم ندارد.

تفسیر :

کیفر ارتداد

در آیات گذشته سخن از آیین اسلام بود که تنها آیین مقبول الهی است در این آیات سخن از کسانی است که اسلام را پذیرفته و سپس از آن برگشته‌اند که در اصطلاح «مرتد» نامیده می‌شوند.

می‌فرماید: «چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول، و آمدن نشانه‌های روشن برای آنها کافر شدند و خدا جمعیت ستمکاران را هدایت نمی‌کند؟» (کیف یهدی الله قوما کفروا بعد ایمانهم و شهدوا ان الرسول حق و جاءهم البينات و الله لا یهدی القوم الظالمین).

چرا خداوند آنها را هدایت نمی‌کند؟ دلیل آن روشن است آنها پیامبر را باننشانه‌های روشن شناسخته‌اند و به رسالت او گواهی داده‌اند بنابراین در بازگشت و عدول از اسلام در واقع ظالم و ستمگرند و کسی که آگاهانه ظلم و ستم می‌کند لایق هدایت الهی نیست او زمینه‌های هدایت را در وجود خود از میان برده است.

منظور از «بینات» در آیه فوق، قرآن مجید و سایر معجزات پیامبر اسلام است

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۹

و منظور از «ظالم» در اینجا کسی است که در درجه اول به خود ظلم کرده و راه ارتداد پیش گرفته و در درجه بعد سبب گمراهی دیگران شده است.

سپس می‌افزاید: «آنها کیفرشان این است که لعن خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها است» (اولئک جزاؤهم ان علیهم لعنة الله والملائكة و الناس اجمعین).

«لعن» در اصل به معنی طرد و دور ساختن آمیخته با خشم و غضب است و در مورد خداوند به معنی دور ساختن از رحمت خویش می‌باشد و اما در مورد فرشتگان و مردم به معنی خشم و تنفر و طرد معنوی یا تقاضای از خداوند درباره دور ساختن این گونه افراد از رحمت است.

آری این مرتدان ظالم و ستمگر که آگاهانه این راه را پیموده‌اند چنان در فساد و گناه فرو می‌روند که مورد نفرت همه افراد عاقل و با هدف عالم اعم از انسان و فرشتگان بلکه از آن بالاتر مورد خشم و غضب پروردگار قرار می‌گیرند. در آیه بعد می‌افزاید: «این در حالی است که آنها همواره در این لعن و طرد و نفرت میمانند و مجازات آنها تخفیف نمییابد و به آنها مهلت داده نمی‌شود» (خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون).

در واقع اگر این لعن و طرد جاودانی نبود و یا جاودانی بود و تدریجاً تخفیف می‌یافت و یا حد اقل مهلتی به آنها داده می‌شد تحملش آسانتر بود ولی هیچ یک از اینها درباره آنها نیست عذابشان دردناک و جاودانی و غیر قابل تخفیف و بدون هیچگونه مهلت است در واقع نه از آغاز بریده می‌شود، نه از پایان و نه از شدت آن کاهش می‌یابد.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۵۰

در آخرین آیه راه بازگشت را به روی این افراد می‌گشاید و به آنان اجازه توبه می‌دهد چرا که هدف قرآن در همه جا اصلاح و تربیت است و یکی از مهمترین اسباب اصلاح و تربیت گشودن راه بازگشت به روی بدکاران و آلودگان است می‌فرماید: مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و اصلاح نمایند و در مقام جبران بر آیند (که توبه آنان پذیرفته می‌شود) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است (الا الذین تابوا من بعد ذلک و اصلحوا فان الله غفور رحیم).

این آیه مانند بسیاری از آیات دیگر قرآن پس از طرح مساله توبه با جمله «و اصلحوا» این حقیقت را می‌فهماند که توبه تنها ندامت از گذشته و تصمیم بر

ترک گناه در آینده نیست. بلکه شرط قبولی توبه آن است که با اعمال نیک خود در آینده اعمال زشت پیشین را جبران کند و لذا در بعضی از آیات قرآن بعد از ذکر توبه اشاره به ایمان و عمل صالح شده است مانند آیه فوق و آیه ۶۰ سوره مریم می فرماید: الا من تاب و آمن وعمل صالحا: «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد» در غیر این صورت توبه یک توبه کامل نیست.

بلکه از این تعبیر استفاده می شود که گناه نقصی در ایمان انسان ایجاد می کند که بعد از توبه باید تجدید ایمان کند تا این نقص بر طرف گردد.

نکته :

آیا توبه «مرتد» پذیرفته می شود؟

«مرتد» یعنی کسی که اسلام را پذیرفته و سپس از آن باز گشته، بر دو قسم است «مرتد فطری» و «مرتد ملی» مرتد فطری به کسی گفته می شود که از پدر و یا مادر مسلمان تولد یافته و یا به قول بعضی در حالی که نطفه او منعقد شده پدر و یا مادرش مسلمان بوده اند و سپس او اسلام را پذیرفته و بعد از آن برگشته است ولی مرتد ملی به کسی گفته می شود که از پدر و مادر مسلمان تولد نیافته بلکه خود بعد از بلوغ اسلام را پذیرفته و سپس از آن باز گشته است.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۵۱

توبه مرتد ملی پذیرفته می شود و در حقیقت مجازات او خفیف است زیرا او مسلمان زاده نیست ولی در مورد «مرتد فطری» حکم از این شدیدتر و سختتر است گرچه توبه او در واقع و در پیشگاه خداوند پذیرفته می شود ولی اگر وضع او در دادگاه اسلام ثابت شود محکوم به اعدام خواهد شد و اموال او به عنوان ارث به ورثه مسلمان او می رسد و همسر او از او جدا خواهد شد و حتی توبه کردن او نمی تواند جلو این احکام شدید را بگیرد!

ولی همانطور که گفتیم این سختگیری تنها در مورد مرتد فطری آن هم در صورتی است که مرد باشد.

ممکن است کسانی از این سختگیری تعجب کنند و آن را یک نوع خشونت شدید غیر قابل انعطاف بدانند که با روح اسلام سازگار نیست.

ولی در حقیقت این حکم یک فلسفه اساسی دارد و آن حفظ جبهه داخلی کشور اسلامی و جلوگیری از متلاشی شدن آن و نفوذ بیگانگان و منافقان

است زیرا ارتداد در واقع یک نوع قیام بر ضد رژیم کشور اسلامی است که در بسیاری از قوانین دنیای امروز نیز مجازات آن اعدام است اگر به افراد اجازه داده شود هر روز مایل بودند خود را مسلمان معرفی کنند و هر روز مایل نبودند استعفا دهند به زودی جبهه داخلی اسلام از هم متلاشی خواهد شد و راه نفوذ دشمنان و عوامل و ایادی آنها باز خواهد شد و هرج و مرج شدیدی در سراسر جامعه اسلامی پدید خواهد آمد، بنابراین حکم مزبور در واقع یک حکم سیاسی است که برای حفظ حکومت و جامعه اسلامی و مبارزه با ایادی و عوامل بیگانه ضروری است.

از این گذشته کسی که آیینی همچون اسلام را بعد از تحقیق و پذیرش رها کند و به سوی آیینهای دیگری برود معمولاً انگیزه صحیح و موجهی ندارد، و بنابراین درخور مجازاتهای سنگین است و اگر می‌بینیم این حکم درباره زنان خفیفتر است به خاطر این است که همه مجازاتها در مورد آنها تخفیف می‌یابد.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۵۲

آیه ۹۰-۹۱

آیه و ترجمه

ان الذین كفروا بعد ايمانهم ثم از دادوا كفرا لن تقبل توبتهم و اولئك هم الضالون

ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار فلن یقبل من احدهم ملء الارض ذهباً و لو افتدی به اولئک لهم عذاب الیم و ما لهم من ناصرین

ترجمه :

۹۰ - کسانی که پس از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر (خود) افزودند، (و در این راه اصرار ورزیدند)، هیچگاه توبه آنان، (که از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می‌گیرد)، قبول نمی‌شود، و آنها گمراهان (واقعی) اند (چرا که هم راه خدا را گم کرده‌اند، و هم راه توبه را!).

۹۱ - کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه در روی زمین پیر از طلا باشد، و آن را به عنوان فدیة (و کفاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یک آنها قبول نخواهد شد، و برای آنان، مجازات دردناک است، و یاورانی ندارند.

شان نزول :

بعضی گفته‌اند آیه اول در مورد اهل کتاب که قبل از بعثت پیامبر اسلام (صلی

الله علیه و آله و سلم) به او ایمان آورده بودند اما پس از مبعث به او کفر ورزیدند نازل شده، و بعضی دیگر گفته‌اند در مورد «حارث بن سوید» و یازده نفر از یاران او که از اسلام برگشته بودند نازل شده ولی حارث پشیمان شد و توبه کرد و چنانکه در شأن نزول آیه قبل نیز اشاره شد یازده نفر از همراهان او به حال خود باقی ماندند و باز نگشتند و در پاسخ دعوت حارث به او گفتند: ما در مکه می‌مانیم و به کار خود بر ضد محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ادامه می‌دهیم و انتظار شکست او را داریم اگر مقصود ما حاصل شد چه بهتر و در غیر این صورت راه توبه باز است و هر گاه برگردیم (او ما را می‌پذیرد و) درباره ما همان

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۵۳

چیزی که درباره حارث نازل شد نازل می‌گردد. هنگامی که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) مکه را فتح کرد بعضی از آنها وارد اسلام شدند و توبه آنها پذیرفته شد و اما در مورد کسانی که در حال کفر از دنیا رفته بودند آیه دوم نازل گردید.

تفسیر :

توبه بی فایده

در آیات قبل سخن از کسانی در میان بود که از راه انحرافی خود پشیمان شده و توبه حقیقی نموده بودند و لذا توبه آنها قبول شد ولی در این آیه سخن از کسانی است که توبه آنها پذیرفته نیست اینها کسانی هستند که نخست ایمان آورده سپس کافر شده و در کفر پافشاری و اصرار دارند و به همین دلیل هیچگاه حاضر به پیروی از دستورات حق نیستند مگر اینکه کار بر آنها مشکل شود و راهی جز اطاعت و توبه و تسلیم نبینند یقیناً خداوند توبه این گونه افراد را قبول نخواهد کرد.

می‌فرماید: «کسانی که بعد از ایمان آوردن کافر شدند سپس بر کفر خود افزودند (و در این راه اصرار ورزیدند) هیچگاه توبه آنان قبول نمی‌شود (چرا که از روی ناچاری صورت می‌گیرد) و آنها گمراهان‌اند» چرا که هم راه خدا را گم کرده‌اند و هم راه توبه را (ان الذین کفروا بعد ایمانهم ثم ازدادوا کفرا لن تقبل توبتهم و اولئک هم الضالون).

توبه آنها ظاهری است چرا که وقتی پیروزی طرفداران حق را ببینند از روی ناچاری اظهار پشیمانی و توبه می‌کنند و طبیعی است که چنین توبه‌ای

پذیرفته نشود.

احتمال دیگری که در تفسیر این آیه داده شده این است که اینگونه اشخاص زمانی پشیمان می شوند و توبه می کنند که خود را در آستانه مرگ و پایان عمر ببینند

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۵۴

و میدانیم که در آن ساعت درهای توبه بسته می شود و چنان توبه ای پذیرفته نخواهد شد. در واقع این آیه شبیه همان چیزی است که در سوره نساء آیه ۱۸ آمده که می فرماید: «کسانی که اعمال بد انجام می دهند و به هنگامی که مرگشان فرا می رسد توبه می کنند توبه آنها پذیرفته نیست».

تفسیر سومی برای آیه ذکر شده که منظور از آن توبه از گناهان معمولی در حال کفر است. مثلاً کسی در کفر خود اصرار داشته باشد ولی از گناهانی مانند ظلم و غیبت و فحشاء توبه کند توبه او بیفایده است چرا که شستن آلودگیهای سطحی از جان و دل با وجود آلودگیهای شدید و عمیق مؤثر نخواهد بود.

لازم به یادآوری است که تفسیرهای سه گانه فوق منافاتی با هم ندارد و ممکن است آیه ناظر به تمام این توبه های بیهوده باشد هر چند تفسیر اول با آیات گذشته و شان نزول این آیات سازگارتر است.

در آیه بعد به دنبال اشاره ای که در آیه گذشته به توبه های بیهوده شد سخن از کفار بیهوده می گوید: می فرماید: کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند اگر تمام روی زمین پر از طلا باشد و آن را به عنوان فدیة (و کفارہ اعمال زشت خویش) پردازند هرگز از آنها پذیرفته نخواهد شد (ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار فلن یقبل من احدهم ملء الارض ذهباً و لو افتدی به). روشن است کفر تمام اعمال نیک انسان را بر باد می دهد و اگر تمام روی زمین پر از طلا باشد و در راه خدا اتفاق کنند پذیرفته نخواهد شد و صدا البته اگر چنین چیزی در قیامت در اختیار آنها باشد و بدهند پذیرفته نیست.

بدیهی است منظور از این تعبیر (تمام روی زمین پر از طلا باشد و اتفاق کنند) این است که اتفاق آنها هر قدر زیاد هم باشد با وجود آلودگی روح و جان و دشمنی با حق بی فایده است و گر نه معلوم است که اگر مجموع زمین پر از طلا گردد در آن

موقع ارزش طلا با خاک یکسان خواهد بود. بنابراین جمله بالا کنایه‌ای برای بیان وسعت دایره انفاق و بخشش است.

در این‌که منظور از این انفاق در این جهان یا جهان دیگر است مفسران دو احتمال داده‌اند ولی ممکن است آیه ناظر به هر دو باشد چه تمام دنیا را در حال حیات خود انفاق کنند و چه در قیامت به عنوان فدیة بدهند پذیرفته نیست هر چند ظاهر آیه نشان می‌دهد که مربوط به جهان دیگر است. زیرا می‌گوید: کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند یعنی پس از مرگ در حال کفر اگر فرضاً بزرگترین ثروت‌های جهان در اختیارشان باشد و تصور کنند همانند این جهان می‌توانند با استفاده از ثروت مجازات الهی را از خود دور سازند سخت در اشتباه‌اند و این جریمه مالی و فدیة به هیچ وجه در مجازات آنها اثر نخواهد داشت. در واقع مضمون آیه شبیه چیزی است که در آیه ۱۵ سوره حدید آمده است که می‌گوید: فالیوم لا یؤخذ منکم فدیة و لا من الذین کفروا: «امروز نه از شما (منافقان) و نه از کافران فدیة و غرامتی گرفته (و پذیرفته) نمی‌شود».

و در پایان آیه به نکته دیگری اشاره فرموده، می‌گوید: آنها کسانی هستند که مجازات دردناک دارند و یآوری ندارند (اولئک لهم عذاب الیم و مالهم من ناصرین).

یعنی نه تنها فدیة و انفاق به حال آنها سودی ندارد بلکه شفاعت، شفاعت کنندگان نیز شامل حال آنها نمی‌شود زیرا شفاعت شرایطی دارد که یکی از مهمترین آنها ایمان به خدا است و به همین دلیل اگر تمام شافعان روز قیامت جمع شوند تا برای فرد بیایمانی شفاعت کنند پذیرفته نخواهد شد.

و اصولاً چون شفاعت به اذن خدا است آنها هرگز از چنین افراد نالایقی شفاعت نمی‌کنند که شفاعت نیز لیاقتی لازم دارد، چرا که اذن الهی شامل افراد نالایق نمی‌شود.

پروردگارا! توفیقی مرحمت فرما که پیش از بسته شدن درهای توبه، توبه کنیم و به سوی تو باز گردیم.

خداوند! لیاقتی مرحمت کن که مشمول شفاعت پاکان و نیکان شویم.

خداوندا! حسن عاقبت که از برترین نعمت‌های تو است از ما دریغ‌مدار.
آمین یا رب العالمین

→ قبل

↑ فرست